

بررسی تطبیقی مکان‌ها و زمان‌های مقدس در قرآن و کتاب مقدس

m. hasansaleh2010@gmail.com

سیدمحمدحسن صالح / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۹۷/۴/۱۸

دریافت: ۹۶/۶/۴

چکیده

تقسیم هستی به قدسی و غیرقدسی، از مهم‌ترین شاخصه‌های یک دین و آیین به‌شمار می‌رود. ادیان ابراهیمی، یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام، از این قاعده مستثنا نیستند و بر دو مفهوم مقدس و نامقدس تأکید می‌کنند. برخلاف ادیان اسطوره‌ای، کشف این مقدسات بر اساس خیر الهی و کتب مقدس (عهدین و قرآن کریم) انجام می‌شود. در این تحقیق با مراجعه به متون نقلی این سه دین، یعنی قرآن و عهدین، اماکن و ازمئه مقدس استخراج شده است. براساس یافته‌های این تحقیق، با توجه به محوری بودن اعتقاد به خداوند و ادعای توحید در هر سه دین، می‌توان راز تقدس این مکان‌ها و زمان‌ها را تجلی خداوند (پهوه، اقانیم سه‌گانه تثلیث و الله) در آنها دانست.

کلیدواژه‌ها: تقدس، مقدس، قرآن کریم، عهد جدید، عهد عتیق.

مقدمه

می‌آید. به علاوه با توجه به منشأ مشترک این سه دین، انتظار آن است که بتوان معیار مشترکی را برای تقدس یک مکان و زمان استنتاج کرد.

۱. مفهوم تقدس

واژه «مقدس» لغتی است عربی که از ریشه «قداسه» مشتق شده و به معنای پاکی و منزه بودن از عیب، نقص و ناپاکی است و به معنای برکت و مبارک نیز آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵ ص ۷۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶ ص ۱۶۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۸ ص ۴۰۷؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۵ ص ۲۸۴). به تعبیری می‌توان گفت: قدسی بودن به معنای مینوی، آسمانی و غیرمادی بودن، در مقابل دنیوی و مادی بودن است. دو واژه SACRED و HOLY در زبان انگلیسی، معادل کلمات مقدس و قدسی به شمار می‌روند. واژه SACRED از لحاظ لغوی به معنای مقدس، روحانی و مینوی است و متضاد آن واژه Secular است که به معنای دنیوی، عرفی، غیرروحانی و غیردینی است. متضاد دیگر آن، کلمه Profan است که به معنای کفرآمیز، زشت، دنیوی و بی‌حرمتی کردن به خدا و مقدسات است؛ مثلاً استعمال دخانیات در کلیسا، حرم و معبد، یک عمل نامقدس و بی‌حرمتی به خدا و مقدسات است (بوکر، ۲۰۰۰م، ص ۵۲۰). واژه holy نیز مترادف کلمه Sacred و به معنای مقدس، پاک، میرا، چیز مقدس خوب و کامل است و متضاد آن، unholy به معنای نامقدس، نادرست و ناسازگار می‌باشد (کینگ، ۱۳۷۵، ص ۸۰).

هر امر قدسی و مینوی شاخصه‌هایی دارد. برخی فیلسوفان دین، رازآلود و هیبت‌آلود بودن را از مهم‌ترین ویژگی‌های امر قدسی برمی‌شمرند. رازآمیزی باعث می‌شود که آن امر فراتر از عقل و درک آدمی قرار بگیرد و هیبتناکی او موجب پیدایش نوعی هراس لذت‌بخش در آدمی می‌شود که از او حریم بگیرد و قلمرو بندگی را با الوهیت اشتباه نگیرد (اتو، ۱۳۸۰، ص ۱۵). همچنین برخی دین‌شناسان از فرایندی به نام «سرایت تقدس» یاد می‌کنند. براین اساس، نزد ادیان و ملت‌ها امر مقدسی که اصالتاً از قداست برخوردار است، تنها یک امر است؛ و امور مقدس دیگر به لحاظ ارتباط و پیوندی که با آن امر مقدس دارند، بهره‌ای از تقدس به خود می‌گیرند و مقدس می‌شوند. مقدس‌های از نوع اول، «مقدس اصیل»، و نوع دوم «مقدس تبعی» نامیده می‌شود. در ادیان الهی، آن امر واحد که مقدس اصیل به شمار

مفهوم «تقدس» فراتر از کاربرد وسیع آن در زندگی بشری، ارتباطی تنگاتنگ با ادیان و مذاهب دارد. برخی از الهی‌دانان معتقدند: مفهوم مقدس و نامقدس، اصلی‌ترین مفهوم در دین است؛ به گونه‌ای که حتی از مفهوم کلیدی اعتقاد به خدا هم فراتر است (الیاده، ۱۳۷۲، ص ۱۵۲). ادیان ابراهیمی، یعنی سه دین یهود، مسیحیت و اسلام هم از این قاعده مستثنا نبوده‌اند و کتاب مقدس و قرآن کریم به فراخور رسالت و اصالت خویش، برخی مکان‌ها و زمان‌ها را به عنوان مقدس توصیف کرده‌اند (خروج ۳: ۵؛ لاویان ۲۷: ۱۴؛ طه: ۱۲؛ نازعات: ۱۶؛ مائده: ۲۱). اماکن و زمان‌های مقدس را از دو راه توصیفی و هنجاری می‌توان شناخت. در شیوه نخست، مقدس بودن مکان یا زمانی، با استفاده از الفاظ همگن از سوی خداوند یا پیامبر او در قالب خبری و در متون معتبر نقلی ذکر شده است؛ اما در شیوه دوم، هنجارهای متعدد و باید و نبایدهای وضع شده برای یک مکان یا مقطع زمانی خاص، نشان از تقدس و اهمیت آن می‌دهد. طبق تحقیقات نگارنده، تاکنون منبعی به طور خاص مقدسات را از دیدگاه این سه کتاب مقدس مورد بررسی و کنکاش قرار نداده است. البته در قسمتی از کتاب *هنجارها در سه کتاب مقدس تورات، انجیل و قرآن*، تألیف مهدی محسنیان‌راد، به هنجارها و اوامر و نواهی مرتبط با مقدسات پرداخته شده است؛ لکن در این منبع نیز مکان‌ها و زمان‌های مقدس و دیگر مقدسات در سه کتاب مقدس، به صورت مفصل و دقیق توصیف نشده‌اند. در این مقاله با اتخاذ شیوه نخست و رجوع مستقیم به عهدین و قرآن کریم، در پی پاسخ به این پرسش هستیم که کتب مقدس ابراهیمی چه مکان‌ها و زمان‌هایی را مقدس دانسته‌اند؟ ثانیاً آیا با تحلیل این مقدسات می‌توان برای این تقدس، محور و ضابطه خاصی را تدوین کرد که با اصول و اهداف آن دین سازگار باشد؟ به دیگر سخن، آیا می‌توان راز و معیار تقدس زمان‌ها و مکان‌ها را از متن مقدس استنتاج کرد؟ در راستای این اهداف، ابتدا مفهوم مکان و زمان مقدس و همچنین لوازم آن را بررسی می‌کنیم؛ سپس وارد بحث اصلی می‌شویم و با یادآوری مکان‌ها و زمان‌های مقدس، لوازم تقدس مکان و زمان را بر آنها تطبیق خواهیم کرد.

پرواضح است که برشماری مقدسات در هریک از این سه دین می‌تواند افق‌های مشترکی را در تعامل با یکدیگر بگشاید؛ به گونه‌ای که با شناخت مقدسات مشترک، همگرایی بیشتری در پاسداشت آنها به وجود

مرکزیت مکان مقدس است. به دیگر سخن، در تضاد میان مکان مقدس و مکان‌های دیگر، مکان مقدس است که مکان واقعی به‌شمار می‌رود و دیگر فضاها به‌منزلهٔ وسعت بی‌شکل اطراف آن به‌شمار می‌روند (همان، ص ۲۱). نخستین مکان رفیعی که بنا بر سنت ادیان ابراهیمی، خداوند در آن تجلی کرد، باغ عدن است. سنت‌های یهودی، مسیحی و اسلامی، این باغ را نه‌تنها مرکز جهان، که بلندترین مکان زمین تلقی کرده‌اند. در سفر پیدایش می‌گوید که نه‌ری از عدن بیرون می‌آید و چهار شعبهٔ آن، سرزمین‌های مجاور را آبیاری می‌کند (پیدایش ۲: ۱۰). این بیان، حکایت از قرار گرفتن عدن در مکانی مرتفع دارد؛ همان‌گونه که در قرآن کریم برای اشاره به بیرون رانده شدن آدم و حوا از این باغ، کلمهٔ «هبطا» به کار رفته است (طه: ۱۲۳) و این نشان از فرازمندی آن است (ماسون، ۱۳۸۵، ص ۶۳۳).

ب. مکان مقدس به‌منزلهٔ یافتنی و نه بافتنی

از دیدگاه انسان مذهبی، مکان مقدس، نه یک پایه‌ریزی توسط انسان‌ها و در اصطلاح، نه یک جعل و اختراع، بلکه یک کشف به‌شمار می‌رود؛ چه اینکه از این مکان مقدس، زندگی آغاز می‌شود و انسان مذهبی همیشه در جست‌وجوی تثبیت مسکن خود در مرکز جهان بوده است. در ادیان اسطوره‌ای و ابتدایی، کشف مکان مقدس از راه‌های خاصی انجام می‌شد؛ مثلاً برخی اقوام برای رهایی از سرخوردگی برآمده از همسانی مکان‌ها، به حیوانات متوسل می‌شدند؛ به این ترتیب که مکانی که حیوانات وحشی در آن نقطه شکار می‌شدند، مکان مقدس شمرده می‌شد. در این مثال، تقدس مکان با حیوانات آشکار شده است (الیاده، ۱۳۷۶، ص ۲۵ و ۲۶)؛ اما در ادیان وحیانی، تجلی مستقیم یا غیرمستقیم خدا در مکانی خاص، تقدس آن را برای دین‌داران آشکار می‌سازد. هنگامی که حضرت یعقوب در رؤیای خود در حران نردبانی دید که سر آن به بهشت می‌رسد و با فرشتگان از آن عروج و نزول می‌کند و شنید که خداوند از فراز آن سخن می‌گوید، سنگی را به‌صورت بقعه قرار داد و آن را بیت‌ئیل، یعنی خانهٔ خدا نامید (پیدایش ۲۸: ۱۲-۱۹). تجلی خدا در این مکان، باعث تقدس شدن آن گردید.

ج. دارا بودن هنجارهای خاص

تقدس با تابو همراه است. به دیگر سخن، مقدس بودن مکان، به‌معنای

می‌رود، خداوند است و به‌تبع آن، هر آنچه که تجلی و آیه‌ای از خداوند باشد، مقدس می‌شود. حضور امر قدسی در مکان و زمانی، موجب مقدس شدن آن زمان و مکان می‌شود و لوازمی را نیز به‌دنبال خواهد داشت که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

۲. مکان مقدس

از نظر انسان مذهبی، مکان‌ها از لحاظ ارزش یکسان نیستند. به دیگر سخن، از دیدگاه چنین انسانی، از لحاظ کیفی برخی از مکان‌ها از بخش‌های دیگر متفاوت است. نمونهٔ بارز این امر را می‌توان در فرمان خداوند به حضرت موسی ﷺ تجزیه و تحلیل کرد که هم در تورات و هم در قرآن آمده است و بر اساس آن، خداوند دستورات خاصی را دربارهٔ مکانی خاص (وادی طور) داده است که نشان می‌دهد این مکان با بقیهٔ اماکن متفاوت است: «به اینجا نزدیک نشو؛ کشف‌هایت را از پاهایت بیرون بیاور؛ چون مکانی که تو در آن ایستاده‌ای، زمین مقدسی است» (خروج ۳: ۵). این در حالی است که در تجربهٔ نامقدس، مکان فاقد ارزش است و این مکان نسبت‌به آن مکان هیچ مزیت و برتری‌ای ندارد (الیاده، ۱۳۷۶، ص ۲۳).

در دوران اسطوره‌ای بشر، همان‌طور که خدا این عالم را از مادهٔ اولیه پدید آورد، انسان‌ها هم با ساخت و تقدس یک بنا، آن را به وجودی ارزشی و نمایانگر کیهان تبدیل می‌کردند (همان، ص ۴۹). با این حال، در جهان معاصر و با صنعتی شدن انسان‌ها، مسکن نیز تدریجاً از تقدس بیرون آمد. نگاه صنعتی را می‌توان در این جملهٔ معمار مشهور معاصر، لوکوربوزیه، خلاصه کرد که معتقد است: خانه «ماشینی است برای زندگی کردن در آن». در این نگاه، خانه یک ماشین، مانند دیگر ماشین‌هاست؛ مثل اتومبیل و دوچرخه، که همان‌گونه که آنها را عوض می‌کنیم، محل اسکان را نیز عوض می‌نماییم. برای انسان غیرمذهبی، امکانی برای کشف دوبارهٔ بُعد مقدس وجود در این جهان باقی نمانده است (همان، ص ۳۹).

۳. لوازم تقدس مکان

در دیدگاه دینی، تقدس مکان لوازمی را به دنبال دارد که عبارتند از:

الف. مرکزیت و فرازمندی مکان مقدس

انسان مذهبی از این عدم همسانی، یک نتیجهٔ مهم نیز می‌گیرد و آن

همراه با هر جشن و مراسم دوره‌ای، شرکت‌کنندگان همان زمان مقدس را دوباره می‌یابند. به عبارت دیگر، شرکت‌کنندگان در جشن و مراسم، همدیگر را در ظهور نخستین زمان مقدس، چنان‌که در ازل ظاهر شده، دیدار می‌کنند (همان، ص ۵۵).

۵. مقدسات در کتاب مقدس

کتاب مقدس از دو بخش عهد عتیق و عهد جدید تشکیل شده است: عهد عتیق بیانگر عهد و پیمان خداوند با انسان‌ها قبل از عیسی مسیح و بر پایه عمل به شریعت است؛ و عهد جدید بیانگر عهد جدیدی است که خداوند بعد از ظهور حضرت عیسی با انسان‌ها بست و شرط آن محبت و ایمان به مسیح است. از این رو، مقدسات را در این کتاب به واسطه این تقسیم، در دو بخش رصد می‌کنیم. به‌طور کلی می‌توان گفت که «مقدس» و هم‌خانواده‌های آن در کتاب مقدس، در یک گستره معنایی وسیع، اما مرتبط به کار رفته‌اند. تقدس عمدتاً بر خدا حمل می‌شود و بر عظمت و پاکی بسیار او دلالت می‌کند. اماکن و ازمه و اشیاء، تا جایی که در تقدس خدا سهیم باشند، به‌نحو اشتقاقی «مقدس» خوانده می‌شوند (هاروی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳).

۶. مقدسات در عهد عتیق

در عهد عتیق، بخصوص در تورات و به‌ویژه در دو سفر خروج و لاویان، به واسطه پرداخت به قوانین و اوامر و نواهی شریعت موسوی، به مکان‌ها و زمان‌های مقدس متعددی اشاره شده است. این مقدسات، غالباً برگرفته از تقدس معبد است. با توجه به اینکه یهودیت کهن و اصطلاحاً یهودیت توراتی، معبدمحور است، هیکل سلیمان از بالاترین تقدس برخوردار است. مهم‌ترین عمل متکی به معبد (یعنی قربانی) هم تقدس خاصی دارد. کلیه وسایل و اشیاء و همچنین زمان‌هایی که در آن عمل قربانی انجام می‌گیرد نیز مشمول سرایت تقدس می‌شوند. خداوند یکی از وظایف کاهنان را تعلیم مقدسات و نامقدسات به مردم می‌داند (حزقیال ۴۴: ۲۳). از همین رو، و به‌واسطه تقدس معبد و قربانی، تقدس به خود کاهنان نیز سرایت می‌کند و حتی لباس‌های مخصوص کهنان نیز از تقدس خاصی برخوردارند.

۷. اماکن مقدس

اگرچه هابیل و سپس حضرت نوح قربانی‌هایی به خداوند تقدیم کردند

تمایز بودن آن از دیگر اماکن است و بهترین راه برای نشان دادن این تمایز، وضع اوامر و نواهی‌ای نسبت به آن مکان است. معمولاً در مکان‌های مقدس به‌واسطه اینکه تقدس آن، معلول تجلی خداست، هر آنچه که با تفکر خدایی منافات داشته باشد و یادآور اعمال عادی دنیایی باشد، مذموم یا حتی ممنوع شمرده می‌شود. در مقابل، به هرآنچه که برای توجه دادن انسان به فراماده و خدا نیاز باشد، توصیه شده است. برای نمونه، هم در قرآن و هم در عهدین، گزاره‌های هنجاری متنوعی درباره خانه خدا یافت می‌شود. قرآن می‌گوید: خانه خدا را برای طواف‌کنندگان پاکیزه کنید (بقره: ۱۲۵)؛ انجیل می‌گوید: خانه خدا را میعادگاه دزدان نسازید (متی ۲۱: ۱۳) و تورات از مخاطبین خود می‌خواهد که مکان مقدس خداوند را مورد احترام قرار دهند (لاویان ۲۶: ۲).

۴. زمان مقدس

زمان در اعتقادات دینی اهمیت ویژه‌ای دارد و در یک تقسیم، به مقدس و نامقدس تقسیم می‌شود. بدیهی است که زمان همچون مکان، فی‌نفسه از قداست ذاتی برخوردار نیست؛ بلکه قداست آن به‌لحاظ تعلقی است که زمان نخستین (یعنی همان زمانی که تکرار آن را با مراسم و آیین‌ها در هفته‌ها و ماه‌ها و سال‌های بعد گرامی می‌دارند) با مقدس اصیل دارد. زمان مقدس، همانند مکان مقدس، باید کشف شود و انتخاب و اراده انسان نقشی در تعیین زمان مقدس ندارد. همچنین زمان مقدس، همانند مکان مقدس، دارای هنجارها و قوانین ویژه‌ای است تا از زمان‌های دیگر ممتاز و یگانه شود.

پرسشی که پاسخ به آن اهمیت دارد، این است که تکرار هر ساله، بلکه در مواردی تکرار هفتگی این ایام همراه با برگزاری مراسم و آیین‌های خاص، به چه دلیل است؟ دین‌داران در این ایام با انجام مراسم و آیین‌های گوناگون، چه چیزی را می‌یابند؟

صرف‌نظر از ویژگی‌های منحصر به فردی که هر یک از این قطعات زمانی دارد، همگی در یک نکته مشترک‌اند و آن بازیابی همان قداست نخستین حادثه، و تجربه قدسیت آن است. دین‌داران با برگزاری مراسم و آیین‌ها، قدسیت آن حادثه مقدس را هر ساله تجربه می‌کنند.

میرچا الیاده در این باره می‌نویسد: «برای انسان مذهبی، زمان نیز همچون مکان، نه همانند است و نه مداوم. یک اختلاف اساسی میان این دو کمیت (زمان مقدس و زمان نامقدس) به خاطر می‌رسد: هر زمان مقدس، برگرداندنی است و هر ساله تکرار می‌شود؛ گو اینکه

برای هر کسی جایز نبود (خروج ۱۹: ۱۲، ۲۱-۲۴). کوه صهیون نیز از اماکنی است که حضرت موسی و بنی‌اسرائیل در سرود رهایی خطاب به خداوند آن را مقدس معرفی می‌کنند: «ایشان را داخل ساخته، در جبل میراث خود غرس خواهی کرد، به مکانی که تو، ای خداوند! مسکن خود ساخته‌ای؛ یعنی آن مقام مقدسی که دست‌های تو، ای خداوند! مستحکم کرده است» (خروج ۱۵: ۱۷). در آیات متعددی از عهد عتیق، به تقدس مذبح و محل اصلی ذبح قربانی اشاره شده است: «و مذبح را طاهر ساز به کفاره‌ای که بر آن می‌کنی؛ و آن را مسح کن تا مقدس شود هفت روز برای مذبح کفاره کن و آن را مقدس ساز و مذبح، قدس‌الاقداص خواهد بود. هر که مذبح را لمس کند، مقدس باشد» (خروج ۲۹: ۳۸ و ۳۹). «خیمه اجتماع» مکان مقدس دیگری است که در عهد عتیق بدان اشاره شده و خداوند مستقیماً عمل تقدیس را به خود منتسب کرده است: «و در آنجا با بنی‌اسرائیل ملاقات می‌کنم تا از جلال من مقدس شود و خیمه اجتماع و مذبح را مقدس می‌کنم...» (خروج ۲۹: ۴۵ و ۴۶). خیمه اجتماع نخستین مکان مقدس متحرک است که مسکن یهوه نیز نامیده می‌شود. در اهمیت آن همین بس که ابواب مختلفی از سفر خروج، به توصیف دقیق وسایل و لوازم آن می‌پردازند (خروج، ابواب ۲۵-۲۸، ۲۸-۳۸). خیمه اجتماع محل گردهمایی قوم خدا و مکانی برای ملاقات میان خدا و انسان و جایگاه برتر جلال الهی و تجلی خداوند بر انسان شد؛ چنان‌که در خطاب خداوند به حضرت موسی علیه السلام می‌خوانیم: «در آنجا با تو ملاقات خواهم کرد و از بالای تخت رحمت... با تو سخن خواهم گفت. درباره همه اموری که به جهت بنی‌اسرائیل تو را امر خواهم فرمود» (خروج ۲۵: ۲۲).

در عهد عتیق خانه‌ای که وقف خداوند شود، مقدس شمرده می‌شود و کاهنان ملزم به رعایت قوانین و وظایف خاصی درباره آن می‌شوند: «و اگر کسی خانه خود را وقف نماید تا برای خداوند مقدس شود، کاهن آن را چه خوب و چه بد، برآورد» (لاویان ۲۷: ۱۴). بالاتر از همه این خانه‌ها، معبد سلیمان است که درحقیقت به‌عنوان خانه خدا بنا شد: «آن‌گاه سلیمان گفت: خداوند گفته است که تاریکی‌ای غلیظ ساکن می‌شوم. فی‌الواقع خانه‌ای برای سکونت تو و مکانی را که در آن تا به ابد ساکن شوی بنا نموده‌ام» (اول پادشاهان ۸: ۲۷). البته سلیمان خود توجه به این حقیقت دارد که خداوند مکان خاصی ندارد و این معبد تنها سمبلیک و به‌عنوان نماد است. لذا در ادامه می‌گوید: آیا خداوند در حقیقت بر زمین ساکن خواهد شد؟ اینک فلک و

(پیدایش ۴: ۴؛ ۸: ۲۰)، اما مکان این قربانی‌ها در کتاب مقدس مشخص نشده است. در تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام مرحله‌ای دیده می‌شود که مکان‌های خاص را نشان می‌دهد؛ چنان‌که یهوه در سرزمین موآبه بر این پیامبر خدا ظاهر شد و او بی‌درنگ قربانگاهی در آنجا بنا می‌کند (پیدایش ۱۲: ۷) و بعدها یوشع به همین قربانگاه می‌رود (یوشع ۲۴: ۲۵)؛ سپس حضرت ابراهیم در بلوطزار ممری ساکن شد و در آنجا مذبحی برای یهوه بنا نهاد (پیدایش ۱۳: ۱۴). خداوند در بیت شمع بر اسحاق نیز ظاهر شد (۲۶: ۲۴). بعدها پسر او، یعقوب در همین مکان قربانی‌هایی تقدیم کرد (پیدایش ۴۶: ۱). با این حال، به نظر می‌رسد که ایده مکانی که با تجلی و ظهور خدا تقدس می‌یابد، با داستان رؤیای یعقوب پدید آمده است:

خواب دید که ناگاه نردبانی بر زمین برپا شده که سرش به آسمان می‌رسد و اینک فرشتگان خدا بر آن صعود و نزول می‌کنند. در حال، خداوند بر سر آن ایستاده، می‌گوید: «من هستم؛ یهوه، خدای پدرت ابراهیم و خدای اسحاق». یعقوب از خواب بیدار شد و گفت: البته یهوه در این مکان است و من ندانستم. پس ترسان شده، گفت: این چه مکان ترسناکی است. این نیست، جز خانه خدا و این است دروازه آسمان. بامدادان، یعقوب برخاست و آن سنگی را که زیر سر خود نهاده بود، گرفت و چون ستونی برپا داشت و روغن بر سرش ریخت و آن موضع را بیت‌ئیل نامید (پیدایش ۲۸: ۱۲ و ۱۳، ۱۶-۱۹).

در عهد عتیق از سنگ‌های دیگری نیز به‌عنوان یادمان‌های حضور الهی سخن گفته شده؛ چنان‌که در داستان یوشع از دوازده سنگی که یادگار گذر از اردن است (یوشع ۴: ۵ و ۶) و همچنین سنگی که شاهد میثاق شکیم است، یاد شده است (یوشع ۲۴: ۲۵-۲۷).

همچنین وادی طور مکانی است که خداوند صراحتاً آن را زمین مقدس دانسته و به تبع آن آداب خاصی برای آن تشریح کرده است. تقدس این مکان نیز بر اساس تجلی خداست: «گفت: بدین‌جا نزدیک میا؛ نعلین خود را از پاهایت بیرون کن؛ زیرا مکانی که در آن ایستاده‌ای، زمین مقدس است» (خروج ۳: ۵). تقدیس یک مکان را در وسیع‌ترین معنا، برای کوه سینا می‌بینیم: «موسی نزد خدا بالا رفت. خداوند از میان کوه او را ندا درداد... خداوند بر کوه سینا بر قلّه کوه نازل شد و خداوند موسی را به قلّه کوه خواند و موسی بالا رفت» (خروج ۱۹: ۳). تقدس این کوه به‌حدی بود که گذر از حد معین شده و حتی لمس دامنه کوه،

برای شما مقدس است. هر که آن را بی حرمت کند، هرآینه کشته شود؛ و هر که در آن کار کند، آن شخص از میان قوم خود منقطع شود» (خروج ۳۱: ۱۴). «شش روز کار کرده شود و در روز هفتمین، سبت آرامی مقدس خداوند برای شماست. هر که در آن کار کند، کشته شود» (خروج ۳۵: ۲). بر اساس این فرامین، پاسداشت روز شنبه واجب، و کار کردن در آن ممنوع است. یهودیان معتقدند به استثنای بت پرستی، هیچ گناهی بالاتر از ترک آداب روز شنبه نیست؛ چنان که در گذشته مجازات ترک این آداب، اعدام با سنگسار شدن بود (اعداد ۱۵: ۳۲-۳۵). یهود این روز را تأکیدی بر خلقت جهان به دست خدا و تسلط او بر سرنوشت تاریخی این قوم می دانند. همچنین آنها معتقدند: شبات پدیده‌ای اختصاصی از سوی خداوند برای یهودیان است و نه همچون آیینی که برای سرتاسر جهان در نظر گرفته شده باشد؛ از این رو غیریهودی تا زمانی که تغییر آیین ندهد و به طور قطعی وارد کیش یهودی نشود، مجاز نیست اعمال و آداب شنبه را انجام دهد (آترمن، ۱۳۸۵، ص ۲۶۰). روزهایی که برای نذر تخصیص داده می شوند نیز از دیدگاه عهد عتیق مقدس به شمار می روند: «تمامی روزهای نذرش برای خداوند مقدس خواهد بود» (اعداد ۶: ۸). همچنین برخی اعیاد خاص در تورات، مقدس شمرده شده‌اند؛ مانند عید پَسَح (خروج ۱۲: ۱۴-۱۶)، عید شاوووعوت (اعداد ۲۹: ۷) و عید سایه بان‌ها (اعداد ۲۹: ۱۲). عید پَسَح یا فَصَح که در اوایل بهار آغاز می شود، به مدت هفت روز ادامه می یابد. مهم ترین آداب در این عید، خوردن نوعی نان به نام فطیر است. از این رو به عید فطیر هم معروف است (طاهری آکردی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۶). هفت هفته بعد از عید پَسَح، عید شاوووعوت است. یهودیان معتقدند در چنین روزی، تورات و ده فرمان بر حضرت موسی ﷺ نازل شد و آن را عید ازدواج خدا با قوم می دانند. سومین عید، یعنی جشن سایه بان‌ها یا سوکوت، در پاییز انجام می شود. در این جشن، یهودیان به یاد اقامت بنی اسرائیل در خیمه‌های صحرای سینا در عصر حضرت موسی، هفت روز را در زیر سوکا (چیزی شبیه سایه بان، که از شاخه درخت درست می شود) سپری می کنند (همان، ص ۱۹۷).

۸. مقدسات در عهد جدید

کلمه «قدوسیت» بارها در عهد جدید به کار برده شده است (رومیان ۶: ۱۹ و ۲۲؛ اول قرنتیان ۱: ۳۰؛ اول تسالونیکیان ۴: ۳ و ۴ و ۷؛ دوم

فلک الافلاک تو را گنجایش ندارد؛ چه رسد به این خانه‌ای که من بنا کرده‌ام (همان). در ادامه، کتاب مقدس تصریح می کند که خداوند بر سلیمان ظاهر شد و گفت: دعا و تضرع تو را که به حضور من کردی، اجابت نمودم و این خانه‌ای را که بنا نمودی تا نام من در آن تا به ابد نهاده شود، تقدیس نمودم و چشمان و دل من همیشه اوقات در آن خواهد بود (اول پادشاهان ۹: ۲-۳). همچنین سرزمین اورشلیم به عنوان سرزمین مقدس تجلیل شده و احکام خاصی برای آن بار شده است: «بیدارشو، ای صهیون! بیدار شو و قوت خود را بپوش، ای شهر مقدس اورشلیم! لباس زیبایی خویش را در بر کن؛ زیرا که نامختون و ناپاک، بار دیگر داخل تو نخواهد شد (اشعیا ۵۲: ۱). بر اساس کتاب مقدس، این سرزمین جایگاه تجلیات خداوند و مرکز عالم است. چنان که یهوه به حزقیال می گوید: من این اورشلیم را در میان امت‌ها قرار دادم و کشورها را به هر طرف آن (حزقیال ۵: ۵)، همین نبی در جای دیگری آن را به ناف و وسط جهان تشبیه می کند (حزقیال ۳۸: ۱۲). هر یهودی‌ای که استطاعت مسافرت داشته باشد، می بایست متناوباً به اورشلیم سفر کند (تثنیه ۱۶: ۱۶-۱۷). پیش تر معنای مکان مقدس به عنوان مرکز جهان و همچنین تصویر شهر آرمانی بیان شد. سفر به اورشلیم نماد بازگشت به سوی خداوندی است که جهان را آفریده است؛ گو اینکه مؤمنان خود را در زمین در تبعید احساس می کنند و خود را غریب و مسافر می بینند (مزامیر ۳۹: ۱۳ و ۱۱۹: ۱۹). تصویر اورشلیم آسمانی بعدها در مکاشفه یوحنا بسیار به چشم می خورد. بر اساس این مکاشفه، اقامتگاه سعادت‌مندان جایی جز اورشلیم آسمانی نیست. یوحنا در آنجا تخت خداوند (۴: ۲)، خیمه شهادت (۵: ۵)، مذبح (۸: ۳)، تابوت عهد (۱۱: ۹)، هفت چراغ (۱۱: ۱۲)، کتاب (۵: ۱) و نهر حیات (۲۲: ۱) را می بیند؛ گو اینکه مراسم عبادی قوم برگزیده، تجسمی از آیین نیایشی آسمانی فرشتگان است که ابرار و خوبان پس از مرگ خود در آن شرکت می جویند (ماسون، ۱۳۸۵، ص ۶۳۹).

۸. زمان‌های مقدس

اعیاد و زمان‌های مختلفی در عهد عتیق، مقدس معرفی شده‌اند. در چند مورد، روز شنبه (شیبات) به عنوان روز مقدس معرفی شده است. بنا بر اعتقاد یهودی، خداوند آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و در روز هفتم (شنبه) به استراحت پرداخت. به همین دلیل، خداوند شنبه را گرامی داشت و آن را مقدس شمرد: «پس سبت را نگه دارید؛ زیرا که

مسیح که محور جهان گردیده، تنها وسیله بازگشت به سوی پدر است. ظرف حاوی اشیای مقدس که تنها کشیشان می‌توانند آن را بگشایند، دیگر دربردارنده شخینا و سکینه الهی نیست؛ بلکه دربردارنده حضور واقعی مسیح و کلمه متجسد الهی در شکل نانی تقدیس شده است که در ظرف متبرک و سرپوشیده خاص قربانی‌ها نگهداری می‌شود (ماسون، ۱۳۸۵، ص ۶۳۹).

آنچه گذشت، بیشتر متوجه اناجیل همونا بود که در آنها حضرت عیسی به‌عنوان یک بشر (و نه فرابشر) معرفی شده و مقید به شریعت حضرت موسی است؛ اما در انجیل یوحنا، اعمال رسولان، نامه‌ها و مکاشفه یوحنا، بیش از آنکه به شریعت پرداخته شود، به ماهیت و رسالت عیسی مسیح مبنی بر نجات پرداخته می‌شود؛ از این رو فراتر از هر مکان و زمان، خود عیسی ☩ مقدس شمرده می‌شود (یوحنا ۱۰: ۳۶ و ۱۷: ۱۹). در انجیل یوحنا برخلاف دیگر اناجیل، با بهره‌گیری از زبانی کاملاً رمزی و اسطوره‌ای، تصویری شبه‌خدایی و الوهی از عیسی مسیح عرضه می‌شود. در این گفتمان عیسی ☩ حتی به‌عنوان «پسر خداوند»، «خداوند»، «خدا»، و «صورت خدای نادیده» نیز توصیف شده است (میشل، ۱۳۷۷، ص ۶۸-۷۰). بر اساس عهد جدید، آیین‌های شریعت کهن (عهد عتیق) تنها مقدمه و تصویری از شریعتی است که بر مسیح، یعنی کلمه متجسد خدا متمرکز است. ارمیا از عهدی تازه خبر داد که بر شریعتی باطنی بنا خواهد گشت (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴). نویسنده نامه به عبرانیان، پس از یادآوری عهد دوم توسط ارمیای نبی، تأکید می‌کند که کاهن بزرگ حقیقی، همان مسیح است (عبرانیان ۸: ۱۳-۸). او می‌افزاید:

مسیح چون ظاهر شد تا رئیس گهنة نعمت‌های آینده باشد، به خیمه بزرگ‌تر و کامل‌تر و ناساخته‌شده به دست، یعنی که از این خلقت نیست و نه به خون بزها و گوساله‌ها، بلکه به خون خود، یک مرتبه فقط به مکان اقدس داخل شد و فدیة ابدی را یافت؛ زیرا هرگاه خون بزها و گاوان و خاکستر گوساله چون بر آلودگان پاشیده می‌شود تا به طهارت جسمی مقدس می‌سازد، پس آیا چند مرتبه زیاده خون مسیح که به روح ازلی خویشتن را بی‌عیب، به خدا گذرانید، ضمیر شما را از اعمال مرده طاهر نخواهد ساخت تا خدای زنده را خدمت نمایند (عبرانیان ۹: ۱۱-۱۴).

براساس این عهد و پیمان جدید، عملاً هر کسی که در عیسی ☩ به‌عنوان کاهن بزرگ داخل شد، علاوه بر عادل شمرده‌گی و میرا شدن

تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ اول تیموتائوس ۲: ۱۵؛ عبرانیان ۱۲: ۱۴؛ اول پطرس ۱: ۲). مشتقات این کلمه هم در این کتاب به کار رفته است؛ مانند: مقدس (اعمال رسولان ۷: ۳۳؛ اول قرنتیان ۳: ۱۷؛ دوم قرنتیان ۱۳: ۱۲)؛ مقدسین (اول قرنتیان ۱۶: ۱؛ افسسیان ۱: ۱؛ فیلیپیان ۴: ۲۱)؛ مکان اقدس (عبرانیان ۸: ۱۲)؛ تقدیس کردن (متی ۶: ۹؛ یوحنا ۱۷: ۱۷؛ عبرانیان ۱۳: ۱۲). ریشه تقدیس در عهد جدید، دست‌کم سه معنا دارد: مقدس اعلام کردن (لوقا ۱۱: ۲؛ اول پطرس ۳: ۱۵)؛ جدا نمودن از چیزهای ناپاک و وقف کردن برای خدا (متی ۲۳: ۱۷؛ یوحنا ۱۰: ۳۶؛ و ۱۷: ۱۹؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۱)؛ و طاهر ساختن (افسسیان ۵: ۲۶؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۳؛ عبرانیان ۹: ۱۳). (تیسن، بی‌تا، ص ۲۷۵). حضرت عیسی ☩ خود را نه نافی شریعت موسوی، بلکه مکمل آن معرفی می‌کند: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم؛ بلکه تا تمام کنم» (متی ۵: ۱۷). از میان اناجیل چهارگانه، سه انجیل نخست، یعنی انجیل متی، مرقس و لوقا را که شباهت زیادی باهم دارند و در آن بر جنبه انسانی حضرت عیسی تأکید شده است، اناجیل همونا (sunoptic) می‌خوانند؛ اما محتوای انجیل چهارم، یعنی انجیل یوحنا، با این سه انجیل تفاوت زیادی دارد و بیشتر بر نفی شریعت موسوی و همچنین الوهیت عیسی تأکید کرده است. بر این اساس، در اناجیل همونا که بیشتر متمرکز بر مواعظ و سیره حضرت عیسی است، می‌توان تأییداتی بر تقدس اماکن و زمان‌ها بر اساس شریعت حضرت موسی ☩ یافت؛ از جمله درباره آزمایش عیسی ☩ توسط ابلیس می‌خوانیم: «آن‌گاه ابلیس او را به شهر مقدس برد و بر کنگره هیکل برپاداشته، به او گفت: اگر پسر خدا هستی، خود را به زیر انداز» (متی ۴: ۵و۶). همچنین در پیشگویی‌های آخرالزمانی انجیل متی آمده است: «پس چون سختی ویرانی را که به زبان دانیال گفته شده است، در مقام مقدس برپاشده ببیند، هر که خواند، دریافت کند» (متی ۲۴: ۱۵). محوریت اورشلیم در نوشته‌های عهد جدید، چنان است که همانند عهد عتیق مرکز تحقق وعده‌های خداوند درباره بنی‌اسرائیل و پایتخت سلطنت جهانی آنان است (کلباسی اشتری، ۱۳۸۴، ص ۴۱۰). امروزه کلیساهای کاتولیک همچون معبد اورشلیم، مقدس شمرده می‌شوند و برخی از ویژگی‌های آن را حفظ می‌کنند. بر مذهب سنگی که قربانی بر روی آن تقدیم می‌گردد، صلیبی در میان شش شمعدان قرار دارد. این مذهب، کانون همگرایی مراسم عبادی کلیسای کاتولیک و زندگی مسیحی است.

از گناه ذاتی، تمام گوشت و پوستش مقدس شده، هویتی جز هویت عیسی[ؑ] نخواهد یافت. در انسان شناسی پولسی تصریح می‌شود که از اثرات گناه ذاتی، رخت برپستن تقدس ذاتی انسان است. این تقدس، با ایمان به مسیح و بعد از مرحله عدالت‌شمردگی انسان‌ها مجدداً به انسان برمی‌گردد (اول قرنیتان ۱: ۳۰). پولس می‌گوید که ایمان‌داران، در عیسی مسیح تقدیس شده‌اند (اول قرنیتان ۱: ۲) و این قدوسیت به واسطه ایمان به مسیح حاصل می‌گردد (اعمال ۲۶: ۱۸). مرحله کامل تقدس نیز در زمان برگشت عیسی[ؑ] به وقوع خواهد پیوست.

۹. مقدسات در قرآن کریم

در قرآن کریم به مکان‌ها و زمان‌های مقدسی اشاره شده است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت:

الف. مکان‌های مقدس

در قرآن کریم در جریان داستان بنی‌اسرائیل، به برخی از مقدسات حقیقی و تحریف‌ناشده دین یهود اشاره شده است که از جمله آنها تقدس وادی طور و همچنین سرزمین اورشلیم است: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (طه: ۱۲)؛ «إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (نازعات: ۱۶)؛ «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتُدُّوا عَلَىٰ آدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» (مائدة: ۲۱) یکی از مشکلات بنی‌اسرائیل این بود که فرعون تلاش می‌کرد آنان را از منطقه حاصلخیز و آباد «مصر» بیرون کند. خداوند با نابود کردن فرعون، آنان را در «سرزمین موعود» سکونت داد و آن را نعمتی می‌نامد که بنی‌اسرائیل را از آن برخوردار کرده است: «وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا» (اسراء: ۱۰۴). بسیاری از مفسران، این سرزمین را شام (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۱۱۷؛ طوسی، ۱۳۷۶ق، ج ۶ ص ۵۲۹) یا مصر دانسته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۱۷۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶ ص ۶۸۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۴۱۶؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۹؛ زرکشی، ۱۳۷۴ق، ج ۳، ص ۴۵۲)؛ اما برخی از مفسران با استشهاد به آیه «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» (مائدة: ۲۱)، این سرزمین را ارض مقدس موعود تفسیر کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۳، ص ۲۳۴). همچنین در آیه دیگری، خداوند از به میراث نهادن سرزمین مصر یا شام خبر می‌دهد: «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ

الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (اعراف: ۱۳۷). مفسران با بهره‌گیری از وصف «بَارَكْنَا فِيهَا» معتقدند: این سرزمین همان سرزمین مقدس موعود فلسطین است (همان، ج ۸، ص ۲۲۸). قرآن کریم همچنین در گزارش مربوط به بعثت حضرت موسی مکانی را که آن حضرت در آن از شجره مشتعل ندای وحی را شنید، بقعه مبارکه معرفی می‌کند: «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (قصص: ۳۰) با توجه به آنچه در قسمت مفهوم‌شناسی تقدس گذشت، مبنی بر اینکه برخی از لغویان حقیقت تقدس را برکت می‌دانند و مقدس را به معنای «مبارک» معنا نموده‌اند، می‌توان مصداق بقعه مبارکه را نیز جزو مقدسات دانست. گروهی از مفسران برآن‌اند که بقعه مبارکه قطعه مشخصی از کوه طور است که در کرانه راست وادی ایمن - جایی که درخت یادشده در آن روید - قرار دارد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۸۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۰۲؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۲). درباره علت مبارک بودن این بقعه، غالب مفسران فریقین معتقدند که سخن گفتن خدا با حضرت موسی[ؑ] و همچنین گزینش وی به رسالت، سبب تقدس و برکت این مکان شده است (طوسی، ۱۳۷۶ق، ج ۸، ص ۱۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۳۹۲؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۶ ص ۲۱۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۴۴).

کعبه برای مسلمانان، همانند اورشلیم برای یهودیان، جنبه مرکزیت عالم را حفظ کرده است. وجود روی نمودن مسلمانان به سوی مکه به هنگام اقامه نماز و ادای مناسک حج می‌تواند شاهدی بر این امر باشد. مکه مهد ایمان نوین و موقف نمادین حشر در روز رستاخیز گردیده است: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لِأَنَّ رَبَّكَ فِيهِ» (شوری: ۷). از این آیه می‌توان نوعی مرکزیت برای مکه را که مقبول عالم اسلام است، استنتاج نمود (ماسون، ۱۳۸۵، ص ۶۴۱). این منطقه مورد توجه خاص خدا بوده و خداوند هنجارهایی را برای آن تعیین کرده است. قرآن تصریح می‌کند کعبه نخستین خانه‌ای است که برای عبادت مردم بنا نهاده شده است. این خانه، مبارک و مایه هدایت مردم است (آل عمران: ۹۶-۹۷). خانه کعبه منسوب به خداست و بیت‌الله خوانده می‌شود. در قرآن کریم در دو مورد این خانه به‌عنوان ملک خاص الهی

می‌کند که سرانجام مسجدی بر فراز این قدیسان ساخته شد «... فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا» (کهف: ۲۱). در این آیه تقابل جالبی میان کلمه «بنیان» و «مسجد» دیده می‌شود که نشان می‌دهد اماکن و ابنیه متجانس نیستند و «مسجد» به‌عنوان یک مکان مقدس با کلمه «بنیان» تعبیر نشده است. اصولاً هر بنیان و بنای یادبودی کاربرد مذهبی ندارد؛ درحالی که مسجد اساساً برای ذکر خداوند و عبادت اوست. از آنجاکه تقدس مکان، تبعی و وابسته به یاد خداست، اگر احیاناً ساختمانی برخلاف این محور تقدس، بهره از ذکر الله نداشته و مایه پراکندگی و نفاق مسلمانان باشد، هیچ حرمت و تقدسی ندارد و از دیدگاه قرآن سرنوشت مسجد ضرار جز تخریب و نابودی نیست (توبه: ۱۰۷).

اگرچه خود مسجد مانند دیگر اماکن مقدس در ادیان دارای اجزا و ساختار خاص است، اما به‌طور خاص از محراب در قرآن سخن به‌میان آمده است. از آیات قرآنی استنتاج می‌شود که محراب بنایی صرفاً اسلامی نیست و در بناهای مقدس یهودی نیز به‌کار می‌رفته است. در قرآن، ساختار جمع «محاریب» بر بناهای متصل به معبد اورشلیم (سبا: ۱۳)، و با ساختار مفرد، بر مکان مقدسی که داوود در آن اقامت داشت (ص: ۲۱) و بر جایی که حضرت مریم علیها السلام قبل از ولادت عیسی علیه السلام می‌زیست (آل عمران: ۳۷) و بر مکانی که حضرت زکریا در آنجا خداوند را می‌خواند (آل عمران: ۳۸؛ مریم: ۱۱) اطلاق شده است.

در قرآن کریم اماکن مقدس محدود به معابد نیست و سوره تین حاوی اشاراتی به کوه‌هایی است که مقدس شمرده شده‌اند: «وَاللَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سِينِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» (تین: ۱-۳). در این آیات به چهار چیز قسم خورده شده است که از جمله آنها تین و زیتون است. اگرچه برخی مفسران مراد از تین و زیتون را اشاره به همان دو میوه معروف (یعنی انجیر و زیتون) می‌دانند که به دلیل خواص فوق‌العاده مورد قسم الهی واقع شده‌اند، اما برخی دیگر معتقدند که منظور از آن، دو کوهی است که شهر «دمشق» و «بیت‌المقدس» بر آنها قرار گرفته‌اند؛ چراکه این دو محل، سرزمین قیام بسیاری از پیامبران بزرگ خدایند. مزیت این تفسیر آن است که طبق آن، این دو قسم با سوگندهای سوم و چهارم که از سرزمین‌های مقدسی یاد می‌کند، هماهنگ است. البته برخی معتقدند نام‌گذاری این دو کوه بنام «تین» و «زیتون» از آن‌روست که بر یکی از آنها درختان انجیر می‌روید و بر

یاد شده است (بقره: ۱۲۵؛ حج: ۲۶). برخی معتقدند که این نام‌گذاری، یادآور بیت‌ئیل یا Bethel در سنت عبرانی است (همان، ص ۶۴۲). تعبیر مسجدالحرام پانزده بار در قرآن آمده است (بقره: ۱۴۴ و ۱۴۹ و ۱۵۰؛ مائده: ۲؛ انفال: ۳۴ و موارد دیگر). واژه حرم که قبل از اسلام نیز واژه شناخته‌شده‌ای بود به هر مکانی اطلاق می‌شود که محترم شده است و بنابراین ورود به آن بر نامسلمانان یا بر مسلمانانی که به‌لحاظ شرعی ناپاک‌اند ممنوع است. البته در قرآن کریم تقدس مکان منحصر در یک خانه نیست و از خانه و بیوتی نیز سخن به میان آمده است که خدا رخصت داده است که قدر و منزلت آنها رفعت یافته و نامش در آنها یاد شود و هر بامداد و شامگاه او را در این خانه‌ها نیایش کنند (نور: ۳۶). از آنجاکه معیار تقدس، تجلی خداوند است، در هر جایی که نامی از خدا برده شود، می‌توان بهره‌ای از حقیقت قدسی را در نظر گرفت. از این‌رو اصل سرایت تقدس در قرآن کریم برجستگی قابل توجهی یافته است. به‌طور ویژه، در قرآن کریم مساجد مکان‌های عبادتی تلقی شده‌اند که تنها به خداوند تعلق دارند و در آنجا جز خدا نباید معبود دیگری عبادت شود. مشرکان حق دخالت در آن را ندارند و کسانی که سعی در تخریب آن داشته باشند، به عذاب سختی وعده داده شده‌اند (جن: ۱۸؛ بقره: ۱۱۴؛ توبه: ۱۷ و ۱۸).

در قرآن کریم در کنار مسجدالحرام، به‌طور ویژه از مسجدالاقصی نیز سخن به‌میان آمده است؛ به‌گونه‌ای که این دو مکان مبدأ و مقصد اسراء و سیر شبانه پیامبر بوده است «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ...» (اسراء: ۱) در این آیه، مسجدالاقصی مبارک شمرده شده است. در آیه هفتم همین سوره، خداوند با یادآوری تاریخ پرفرازونشیب بنی‌اسرائیل، از مسجدی یاد می‌کند که به‌دلیل عملکرد عاصیان بنی‌اسرائیل برای دومین بار به تصرف گروه مهاجم درآمد «... فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءَ وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا». برخی از مفسران معتقدند که مراد از مسجد در این آیه، همان معبد سلیمان است که دو بار در طول تاریخ تخریب شد. تخریب نخست، مربوط به پنج قرن قبل از میلاد است که توسط پادشاه آشوری به‌نام بخت‌النصر روی داد؛ و تخریب دوم معبد در سال هفتاد میلادی و توسط تیتوس روی داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۸).

همچنین قرآن کریم در یادکرد از اصحاب کهف، از بحث و نزاع مؤمنین درباره ساخت یادبود یا مسجد بر مزار اصحاب کهف یاد

دیگری درختان زیتون (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۳۹).

منظور از «طور سینین» همان «طور سینا» است که مفسران آن را اشاره به کوه «طور» معروف که در صحرای سینا است، دانسته‌اند و در آنجا درختان پر بار زیتون وجود دارد. «سینا» را به معنای کوه پربرکت، یا پردرخت، یا زیبا می‌دانند و همان کوهی است که حضرت موسی علیه السلام به هنگام مناجات به آنجا می‌رفت. بعضی نیز آن را کوهی در نزدیک کوفه و سرزمین نجف دانسته‌اند. اما عبارت «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» مسلماً اشاره به سرزمین مکه است؛ سرزمینی که حتی در عصر جاهلیت منطقه امن و حرم خدا شمرده می‌شد و کسی در آنجا حق تعرض به دیگری نداشت. از آنجاکه همه اماکن مقدس در یک رتبه نیستند و برخی از آنها از برخی دگر فضیلت و شرافت بیشتری دارند، در این آیه خداوند با آوردن کلمه (هنا) و اشاره کردن به مکه، به آن احترام خاصی کرده و فهمانده است که کعبه نسبت به سه نقطه دیگر، از شرافت برجسته‌تری برخوردار است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۳۱۹).

بنا بر آنچه گذشت، طبق قول مشهور، هر چهار مورد سوگند در آیات آغازین سوره تین به اماکن مقدس اشاره دارد. بر این امر می‌توان شواهد روایی نیز اقامه کرد. از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی مراد از تین را مدینه، مراد از زیتون را بیت المقدس، مراد از طور سینین را کوفه و مراد از بلد امین را مکه دانستند (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۵۸). یادکرد از طور سینین، منحصر در آیه یادشده نیست و خداوند در آیه ۲۰ سوره مؤمنون بعد از اشاره به باغ‌های نخل و انگور، به درختی اشاره می‌کند که از طور سینا می‌روید و از آن روغن و نان خورش به دست می‌آید: «وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَ صَبْغٍ لِّلْأَكْلِينِ». در اینکه منظور از «طور سینا» چیست، مفسران دو احتمال عمده داده‌اند: نخست اینکه اشاره به همان «کوه طور» معروف است که در صحرای سینا قرار دارد؛ و اگر می‌بینیم که قرآن در اینجا درخت زیتون را درختی توصیف کرده است که از کوه طور می‌روید، برای آن است که اعراب حجاز هنگامی که از بیابان‌های خشک این منطقه به طرف شمال می‌گذشتند، نخستین منطقه‌ای که در آن به درخت‌های پر بار زیتون برمی‌خوردند، منطقه طور در جنوب صحرای سینا بوده است. احتمال دیگر اینکه با توجه به معنای لغوی «سینا» طور سینا جنبه توصیفی دارد و به معنای «کوه پربرکت» یا «کوه پردرخت» یا «کوه زیبا» است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۲۱).

ب. زمان‌های مقدس

در قرآن کریم به طور صریح زمان خاصی به عنوان زمان مقدس مطرح نشده است. با این حال، قرآن کریم از مفهومی به نام «ایام الله» استفاده می‌کند که می‌توان آن را جایگزین مناسبی برای ایام مقدس بدانیم. چه اینکه این روزها به واسطه انتساب به امر قدسی، یعنی خداوند، مقدس شده‌اند و خودشان در تقدس موضوعیت ندارند:

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (جاثیه: ۱۴)؛

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (ابراهيم: ۵).

مفسران در تفسیر واژه «ایام الله» دیدگاه‌های گوناگونی را بیان کرده‌اند. بعضی معتقدند: «ایام الله» اشاره به روزهای پیروزی پیامبران پیشین و امت‌های راستین آنهاست، که بر اثر شایستگی آنها انواع نعمت‌های الهی شامل حالشان گردید (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۱۲۲)؛ دسته دوم معتقدند: این واژه اشاره به روزهایی است که خداوند اقوام سرکش را عذاب و طاعوت‌ها را نابود کرده است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۷، ص ۳۶۱)؛ و در نهایت، دسته سوم از مفسرین قائل به جمع اقوال پیشین هستند و می‌گویند: این واژه می‌تواند اشاره به هر دو قسم باشد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۲۷۲؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۵۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۹، ص ۶۵). هر کدام از این اقوال، مصادیقی را برای ایام الله معرفی کنند. آنچه از روایات استفاده می‌شود، این است که دست کم سه روز به عنوان ایام الله معرفی شده است: روز ظهور امام زمان (عج)، روز رجعت و روز قیامت (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۲۶). به نظر می‌رسد که این مصادیق به عنوان مصادیق برتر مورد اشاره قرار گرفته‌اند و ایام الله می‌تواند دارای مصادیق بیشتری باشد.

در قرآن کریم به یک مفهوم اختصاصی از جنس زمان نیز برمی‌خوریم و آن ماه‌های حرام است (توبه: ۳۶). در حالی که در قرآن بیش از ده مورد امر و نهی در این باره وارد شده است، در کتاب مقدس چنین زمانی شناخته شده نیست و به هیچ وجه مطرح نشده است (محسنیان‌راد، ۱۳۹۳، ص ۴۶۹). قرآن کریم در یک دستور کلی، امر به حفظ حرمت این چهار ماه را می‌دهد (مائده: ۲). مهم‌ترین خصوصیت این چهار ماه، ترک جنگ و برقراری امنیت است و حتی مشرکان نیز با شرایط خاصی در این ماه‌ها مصون‌اند

است و با توجه به وحیانی یا غیروحیانی بودن آن دین، معیارهای مختلفی برای تمایز نهادن میان مقدسات و غیرمقدسات ارائه شده است. در ادیان ابراهیمی برخلاف ادیان اسطوره‌ای، کشف این مقدسات، بر اساس خبر الهی و کتب مقدس (عهد عتیق، عهد جدید و قرآن کریم) انجام می‌شود. به دیگر سخن، در سه دین ابراهیمی به‌واسطه وجود کتاب مقدس، اخبار خداوند مهم‌ترین راه برای کشف تقدس مکان و زمان به‌شمار می‌رود.

در عهد عتیق، از هیکل سلیمان و روز شنبه به‌عنوان مهم‌ترین مکان و زمان مقدس یاد شده است. چالشی که یهودیت بعد از تخریب اول و دوم معبد با آن مواجه شد، عدم جاهت و حجیت بسیاری از اعمال مقدس، به‌ویژه قربانی بود؛ چراکه این عمل حتماً باید در معبد انجام می‌شد تا تقدس لازم را کسب کند؛ حال آنکه دیگر معبدی وجود نداشت. با کم‌رنگ شدن بحث قربانی در یهودیت، و در مقابل، برجسته شدن نماز و صدقه در یهودیت تلمودی و دیگر ادوار یهودی، عملاً تقدس اماکن و ازمه و اشیای مربوط به نماز و کنیسه جایگزین مقدسات مربوط به معبد سلیمان و قربانی شدند. در عهد جدید (صرف‌نظر از تفاوت‌های بنیادین بین اناجیل هم‌نوا و دیگر قسمت‌های عهد جدید)، تا حدودی برجسته کردن و تأکید مقدسات موسوی را مشاهده می‌کنیم که نشان از شریعت‌محور بودن حرکت حضرت عیسی علیه السلام دارد. باین‌حال، آنچه در اعمال رسولان و نامه‌های آنها بیشتر به چشم می‌خورد، تأکید بر محوریت عیسی علیه السلام به‌عنوان یکی از اقلانیم سه‌گانه تثلیث و راز تقدس است. به دیگر سخن، از آنجاکه در این دین به‌واسطه آموزه تجسد، مسیح مکاشفه خاص الهی به‌شمار می‌رود، هرگونه مکان یا زمانی که با پسر خدا مرتبط باشد، خدایی و مقدس است. در قرآن کریم نیز به‌عنوان معجزه جاودانه پیامبر خاتم صلوات الله علیه بر مقدس بودن زمان و مکان صحه گذاشته شده است و ضمن یادکرد از ورود حضرت موسی به وادی طور، معتقد است ورود به مکان مقدس مستلزم رعایت آداب و هنجارهای خاصی است. همچنین با نسبت دادن برخی زمان‌ها به امر قدسی اصیل، یعنی خداوند، آنها را «یوم الله» معرفی کرده است که می‌تواند جایگزین مناسبی برای روز مقدس باشد. در قرآن کریم به‌طور اختصاصی چهار ماه را به‌عنوان ماه‌های حرام معرفی می‌کند که امنیت و ثبات، مهم‌ترین خصوصیت آن است. در کتاب مقدس، چنین مفهومی وجود ندارد.

از آنجاکه اماکن و زمان‌های مقدس دارای لوازمی بود، این

(بقره: ۲۱۷). انتخاب این چهار ماه امری انتخابی و به‌دست مردم نیست و قرآن تصریح می‌کند که این تعیین از جانب خداست و کسی حق تغییر این ماه‌ها را (آن‌گونه که در قسمتی از جاهلیت عرب مرسوم بود و با نام نسیء شناخته می‌شد) ندارد (توبه: ۳۷).

همچنین در سنت اسلامی چهار روز به‌عنوان عید شمرده شده که یکی از آنها، یعنی روز جمعه، در قرآن ذکر گردیده است. روز جمعه مهم‌ترین روز هفته و زمان اجتماع مسلمانان به‌شمار می‌رود. در کنیسه شنبه روز اجتماع است تا یادآور سیر خلقت باشد که در شش روز به پایان رسید و روز هفتم (شبات) به استراحت اختصاص یافت (پیدایش ۲: ۳ و ۲: ۲؛ خروج ۲۰: ۸؛ تثویه ۵: ۱۲). کلیسای کاتولیک هم هر یکشنبه شاهد اجتماع اعضای خود است تا یادکردی از رستاخیز مسیح باشد. در روز جمعه مسلمانان در نماز جمعه شرکت می‌کنند و برخلاف کتاب مقدس حکمی مبنی بر استراحت هفتگی آنها در قرآن وجود ندارد. قرآن امر می‌کند مسلمانان در روز جمعه با شنیدن اذان تجارت را رها کنند و به سوی ذکر خدا بشتابند (جمعه: ۹).

همچنین در قرآن کریم، در میان ماه‌های دوازده‌گانه، ماه رمضان شرافت و جایگاه ویژه یافته و فریضه روزه در این ماه تشریح شده است. البته برجستگی این ظرف زمانی خاص و تمایز آن از دیگر ماه‌ها، به‌دلیل نزول قرآن کریم در آن است (بقره: ۱۸۵). از آنجاکه این کتاب آسمانی دارای تقدس و برکت است، در قرآن کریم به شب قدر به‌عنوان شب نزول قرآن اشاره شده و حتی برتر از هزار ماه معرفی گردیده است (قدر: ۱-۳). همچنین در سوره «دخان» از این شب به شب مبارک یاد شده است (دخان: ۳).

بنا بر آنچه گذشت، از دیدگاه قرآن کریم مکان‌ها و زمان‌ها یکسان نیستند و برخی از شرافت و قداست خاصی برخوردارند. قرآن کریم در کنار معرفی برخی اماکن و زمان‌ها، هنجارهای خاصی را هم برای آنها وضع نموده است. مکان مقدس در قرآن حریم خاص می‌یابد و تبدیل به «حرم» می‌شود. راز مهم تقدس زمان و مکان، تجلی خداوند یا لوازم ایمان به اوست. از دیدگاه قرآن، نزول وحی و کتاب مقدس، امور مؤمنانه همچون جهاد و هجرت در راه خدا، می‌تواند تجانس زمان و مکان را درنوردد و آن را مقدس و ممتاز نماید.

نتیجه‌گیری

تقسیم هستی به قدسی و غیرقدسی، از دیرباز در ادیان مرسوم بوده

- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۷۶ق، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث. طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام. فخررازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۰ق، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، قم، هجرت. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب. *کتاب مقدس*، ۲۰۰۹، انتشارات ایلام
- کلباسی اشتری، حسین، ۱۳۸۴، *درآمدی بر تبارشناسی کتاب مقدس*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کینگ، وینستون، ۱۳۷۵، «دین» در: *کتاب دین پژوهی*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، علمی و فرهنگی.
- ماسون، دنیز، ۱۳۸۵، *قرآن و کتاب مقدس: درون مایه‌های مشترک*، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- مחסینان‌راد، مهدی، ۱۳۹۳، *هنجارها در سه کتاب مقدس تورات، انجیل و قرآن*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- میشل، توماس، ۱۳۷۷، *کلام مسیحی*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- هاروی، ون آستن، ۱۳۹۰، *فرهنگ الهیات مسیحی*، ترجمه جواد طاهری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الیاده، میرچا، ۱۳۷۲، *دین پژوهی*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ، میرچا، ۱۳۷۶، *مقدس و نامقدس*، ترجمه نصرالله زنگویی، تهران، سروش.
- Bowker, John, 2000, *Oxford Concise Dictionary Of World Religion*, Uk Oxford Universit Press.
- خصوصیات را می‌توان در مورد مقدسات اشاره شده در کتب مقدس رصد نمود. هم در عهدین و هم در قرآن کریم، مکان مقدس اصلی از مرکزیت برخوردار است. به‌علاوه تمام زمان‌ها و مکان‌های مقدس دارای واقعیت‌اند و به امر و خواست الهی مقدس شده‌اند و انتخاب انسان‌ها نقشی در آن نداشته است. به‌علاوه هر کدام دارای هنجارهای خاصی است تا از بقیه اماکن و زمان‌ها جدا و قابل تشخیص شود.
- منابع
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ق، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دار الکتاب العربی.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر.
- اتو، رودلف، ۱۳۸۰، *مفهوم امر مقدس*، ترجمه همایون همتی، تهران، نقش جهان.
- آلوسی، محمدبن عبدالله، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المنانی*، تحقیق محمد عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- آنترمن، الن، ۱۳۸۵، *باورها و آیین‌های یهودی*، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- تیسن، هنری، بی‌تا، *الهیات مسیحی*، ترجمه طاطه‌وس میکائیلیان، بی‌جا، حیات ابدی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نورالتقلین*، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- زبیدی، محمدمرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر.
- زرکشی، محمدبن بهادر، ۱۴۱۰ق، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
- صاحب‌بن عباد، اسماعیل، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغة*، تصحیح محمدحسن آل‌یاسین، بیروت، عالم‌الکتاب.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ق، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، مکتبه محمد الصادقی الطهرانی.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
- طاهری آکردی، محمدحسین، ۱۳۹۰، *یهودیت*، قم، المصطفی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن الکریم*، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمدبن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.

The History and Causes of the Advent of Tajwid (Recital of the Quran)

Mohammad Ali Mohammadi / Assistant Professor, Department of Thematic Interpretation, Islamic Sciences and Culture Research Center AQamohammadi@Gmail.com

Received: 2017/11/02 - Accepted: 2018/05/09

Abstract

The present paper examines the history and causes of Tajwid (recitation of the Quran). The main question of this study is "when and why did the knowledge of Tajwid begin?" Using a descriptive-analytical method and the historical approach, and after defining "Tajwid", the paper examines seven theories about the history of Tajwid, and concludes that although there were some basic rules for the correct pronunciation of Arabic vocabulary, which was later called Tajwid among the Arabs before Islam, the elaboration of the rules of Tajwid, correct reading and other literary sciences after the advent of Islam were developed with the guidance of Imam Ali (AS). In the middle of the third century, after the developments in the mentioned sciences, the term Tajwid was chosen for "rules governing proper pronunciation during recitation", and turned into an independent field of knowledge. This paper seeks to prove that the field of Tajwid or more precisely, the "technique of Tajwid" is not a science established by Islam, and is not specific to the Qur'an or even to the narratives. It teaches us the correct way of speaking Arabic, and the reason for its development was the Arab's need for proper speech. Consequently, the theories that address this issue and the theories that specify a time for the advent of Tajwid are not acceptable.

Keywords: the Quran, reciting, Tajwid, correct pronunciation of letters, rules for pronunciation of some letters, Phonetics, Grammar, Arabic grammar.

A Comparative Study of Holy Places and Times in the Qur'an and the Bible

Seyyed Mohammad Hassan Saleh / PhD Student of Religions and Mysticism at IKI m.hasansaleh2010@gmail.com
Received: 2017/08/26 - Accepted: 2018/04/18

Abstract

One of the most important features of religion is dividing existence into holy and non-holy. Abrahamic religions, namely, Judaism, Christianity, and Islam, are no exception to this, and emphasize the two holy and non-holy concepts. Contrary to mythological religions, in these religions the discovery of sanctities is based on divine texts and scriptures (the Testaments and the Holy Quran). Referring to the traditional scriptures of these three religions, i.e. the Qur'an, the New Testament and the Old Testament, this research has extracted the holy places and times. According to the findings of this research, considering the centrality of the belief in God and the claim of monotheism in all three religions, the secret of the sanctity of these places and times is regarded to be the manifestation of God in them (Jehovah, the three hypostases of the Trinity and Allah).

Keywords: holiness, holy, the Holy Qur'an, New Testament, Old Testament.